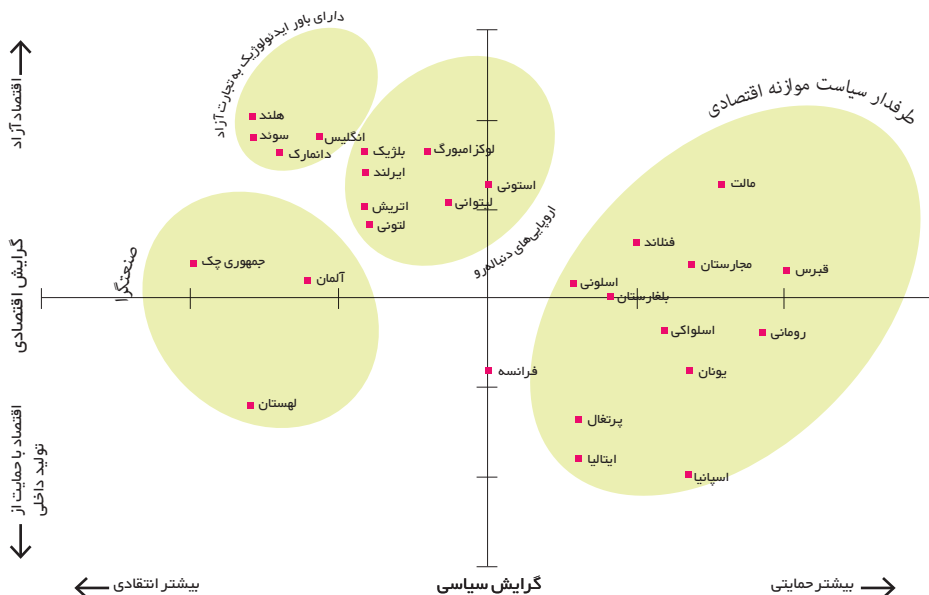


نمودار ۱: وضعیت کشورهای اروپایی در تعامل با چین پیش از بحران مالی



توضیح نمودارها: نمودار فوق براساس سیاست‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حوزه مسائل سیاسی و اقتصادی تهیه شده است. مسائل سیاسی در این هر ۲ نمودار عبارتند از: اهمیت مسائل حقوق بشری، تمایل به طرح مسائل جهانی با چین (ایران، سودان و غیره)، تایوان، ثبت و تمایل برای دیدار با دالایی لاما و همچنین به طور کلی بیانیه‌های سیاسی درباره چین. در نمودار ۱، که برای اولین بار در گزارش بررسی قدرت‌ها در روابط بین اتحادیه اروپا و چین منتشر شد، اولیت‌های اقتصادی براساس سیاست‌های مواجهه با رشد بازار شکنی (دامپینگ) و کسری تجاری بوده اند. در نمودار ۲، اولویت‌های اقتصادی براساس سیاست‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌های چینی و خرید اوراق قرضه دولتی، علاقه در به دست آوردن دسترسی بیشتر به بازارهای چین و ایجاد راهکار مناسبی برای اتحادیه اروپا در خرید عمومی در نظر گرفته شده اند.

به هم هستند، اما این وحدت توسط "معامله‌جویان نقدینه‌خواه" تضعیف می‌شود. به طور خاص، دولت‌های حاشیه اروپا که مدت‌ها بازار چین را با احتیاط دنبال می‌کردند و از بازاریابی چین (دامپینگ) با تولیدات کم‌هزینه‌اش می‌ترسیدند در حال حاضر به چین به عنوان یک مکمل و یا حتی جایگزینی برای وام‌های اروپا و صندوق بین‌المللی پول می‌نگرند. حتی برخی آن را ترجیح می‌دهند: به گفته یک مقام عالی رتبه پرتغالی: "بهتر است اوراق قرضه را [کشورهای] دور خریداری کنند". این کشورها که در وهله اول، هرگز امید زیادی به صادرات به چین ندارند، در حال حاضر احتمالاً حتی کمتر حاضر به

سر و صدایی در حال حرکت به سمت موضع فرانسه هستند. فرانسه همواره مدافع پیشرو اتخاذ یک موقعیت چانه زنی مشترک و قوی اروپا با چین بوده است تا از شرکت‌های خود (تولیدکنندگان کیف دستی تجملاتی، شراب‌سازی و هوافضا و شرکت‌های ریلی) در مقابل شیوه‌های ناعادلانه رقابتی چینی دفاع کند. یک مقام فرانسوی به تازگی گفت: "این یک جنگ واقعی است، با شرکت‌های شدیداً یارانه‌گیر که برای باز کردن بازار با قیمت‌های کم غیرمنتظره‌ای برای از بین بردن رقابت آمده‌اند". این سرمایه‌داری نیست، معامله نیست، این سیاست درندگی است. با این حال، اگر چه فرانسه، آلمان و بریتانیا "تاامیدان بازارگشا" در حال نزدیک‌تر شدن

هم بنابر اصول و هم این نکته که در نهایت آنها به دنبال سود خود هستند، مخالفت می‌کنند. با این حال، آنها به طور فزاینده ارزش استفاده از تهدید چنین اقداماتی و راه‌های اجرای تجارت آزاد به عنوان یک ابزار مذاکره با چین را می‌بینند. در همین حال، علی‌رغم غرایز فروشندگی آلمانی- به عنوان مثال، یکی از مقامات عالی‌رتبه در برلین نقش خود را "سفیر دایملر" توصیف کرده است. آلمان مدام برای دوسویه کردن معاملات در خرید عمومی اصرار می‌کند، مثلاً فیلیپ روسلر وزیر اقتصاد آلمان در ماه ژوئن گفت که "بازار آزاد نمی‌تواند یک خیابان یک‌طرفه باشد" در این معنا، به نظر می‌رسد "معامله‌گران بدون ایدئولوژی" سابق و آلمان به طور بی